



فصل نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)  
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان  
سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم  
شماره یکم (پیاپی ۳۳)، بهار ۱۳۹۶، صص ۹۳-۱۰۶  
تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۸/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۰۴

## تأثیر انقلاب مشروطه بر تحول نظام زمین‌داری

محمد رضا علم\* - سجاد کاظمی\*\*

### چکیده

در آستانه انقلاب مشروطه و در نتیجه روند فروش اراضی خالصه دولت، به طور چشمگیری املاک خصوصی گسترش یافت. این در حالی بود که ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی نیز، به ظهور سرمایه‌دارانی انجامید که سرمایه کلانی را صرف خرید املاک مزروعی می‌کردند و گروه‌های مختلفی از ماموران، عمال، دیوانسالاران و تجار نیز به جرگه طبقه زمین‌دار درآمدند. در این پژوهش با روش تاریخی، به دنبال تشریح و پاسخ به این مسئله هستیم که با وقوع انقلاب مشروطه، نظام زمین‌داری چه تحولی پیدا کرد؟ به ویژه عملکرد مجلس اول در ارتباط با مسئله زمین‌داری چگونه بود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اقدامات صورت گرفته از سوی مجلس اول شورای ملی، محافظه‌کارانه و غیرانقلابی بود؛ چرا که رعایا و دهقانان اقدامات و تحولات آنچنان انقلابی مبنی بر تقسیم اراضی از سوی مجلس اول علیه ملاکان ندیدند و انقلاب مشروطه در عمل، به رشد نظام بزرگ مالکی کمک کرده بود.

واژه‌های کلیدی: ایران، انقلاب مشروطه، نظام زمین‌داری، زمین‌داران، دهقانان، مجلس اول.

\* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز،

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول).

## مقدمه

آقامحمدخان قاجار نیز چنین سیاستی در پیش گرفت و در زمان جانشینان وی نیز، به مرور بر وسعت املاک خالصه دولت افزوده شد.

بنابراین از زمان شاه عباس اول تا دوره قاجار، میل غالب بر رشد املاک خالصه دولت بود؛ با وجود این از زمان ناصرالدین‌شاه، به ویژه در دهه‌های آخر سلطنت وی، برخلاف جریان سابق یعنی رشد املاک دولت، شاهد رشد نظام تیول هستیم. روند آن نیز در نتیجه فروش املاک خالصه دولت به زمین‌داران و گروه‌های مختلف تسریع شد که در نهایت، به رشد املاک خصوصی و اربابی انجامید.

انقلاب مشروطه به عنوان نقطه عطفی در تاریخ ایران، برخی تحولات بنیادین در زمینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی به همراه آورد که از آن جمله می‌توان به ظهور نهاد مجلس، قانون اساسی، انجمن‌های ایالتی و ولایتی، گسترش روزنامه‌ها و غیره اشاره کرد. نظام زمین‌داری نیز بی‌تاثیر از انقلاب مذکور نبود. اما سوال اساسی این است که انقلاب مذکور، به ویژه با تکیه بر عملکرد مجلس اول، چه تاثیری بر این فرایند گذاشته است. با وجود پژوهش‌های گسترده‌ای که در زمینه انقلاب مشروطه انجام شده، به جنبه‌های زمین‌داری آن کمتر توجه شده است. به جز پرداختن مختصر و محدود برخی منابع، همچون مالک و زارع در ایران از لمبتن و فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران از فریدون آدمیت که انعکاسی از مذاکرات مجلس اول است، پژوهشی با این عنوان و محتوا صورت نگرفته است. بنابراین در این پژوهش، ضمن اشاره به نظام زمین‌داری ایران در آستانه انقلاب مشروطه و اندیشه تقسیم اراضی میان رعایا، درباره تاثیر انقلاب مذکور بر تحول نظام زمین‌داری بحث کرده و این موضوع را واکاوی می‌کنیم.

در تاریخ سیاسی ایران، زمین همواره یکی از منابع عمده کسب قدرت به شمار می‌رفته و به اعتبار تحولات سیاسی، اشکال متفاوت و متنوعی از نظام زمین‌داری پدید آمده است؛ به عبارتی، انواع مالکیت زمین همواره تابعی از وضع سیاسی بوده است. در ایران، برخلاف نظام زمین‌داری اروپا با وجود تمایل به موروثی کردن زمین، چندان مالکیت موروثی مستمری بر زمین پدید نیامد. چنان‌که برخی پژوهشگران معتقدند تغییر سریع خاندان‌های حکومتی، همواره با تغییر طبقه مالک همراه بوده است؛ یا قانون ارث در اسلام را در تقسیم املاک موثر دانسته‌اند. املاک خاصه، وقفی، خصوصی، اقطاع، سیورغال و غیره اشکال متفاوت زمین‌داری در ایران بوده که کمیت و کیفیت آن‌ها تابع مقتضیات سیاسی و زمانی بوده است؛ همان‌طور که از دوره آل‌بویه اقطاع نظامی شایع بوده و در دوره سلجوقیان، هم اقطاع نظامی و هم اقطاع دیوانی رایج‌ترین نوع مالکیت زمین بوده است. اما در دوره ایلخانی، مالکیت از نوع اقطاع دیوانی حذف شد و از اواخر این دوره، رشد نظام زمین‌داری به شکل سیورغال را شاهد هستیم. در مالکیت سیورغال، صاحبان املاک از معافیت‌های مالیاتی، قضایی و اداری برخوردار بودند. ریشه این نوع مالکیت زمین به واپسین دوره ایلخانی و ضعف دولت مرکزی باز می‌گردد که امرای نظامی سعی می‌کردند اقطاع نظامی خود را به سیورغال تبدیل کنند. چنین وضعیتی از اواخر دوره ایلخانی به بعد، کم و بیش در ایران حاکم بود.

با تاسیس دولت صفوی و توسعه زمین‌داری به شکل مالکیت خاصه دولت، به ویژه در نتیجه اقدامات شاه عباس اول، ضربات سهمگینی بر نوع نظام زمین‌داری سابق وارد شد. کوتاه کردن دست امرای بزرگ، به رشد مالکیت دولت در مقابل صاحبان سیورغال انجامید. نادرشاه افشار نیز همین سیاست را دنبال کرد.

## نظام زمین‌داری در آستانه انقلاب مشروطه

در زمان ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ ق/۱۸۴۷ تا ۱۸۹۵ م) چند تحول عمده در نظام زمین‌داری ایران پدید آمد: نخست فروش اراضی خالصه دولت به ملاکان و زمین‌داران؛ دوم تمایل تیول‌داران به خصوصی کردن املاک تیولی؛ سوم سرمایه‌گذاری تجار بزرگ در املاک مزروعی. املاک خالصه دولت یا خالصجات به دولت تعلق داشت و منافع آن نیز عاید دولت می‌شد. در اوایل دوره قاجار میل غالب، به گسترش اراضی خالصه بود؛ اما در زمان ناصرالدین‌شاه سیاست معکوس فروش اراضی خالصه در پیش گرفته شد. گفته شده است: «املاک خالصه دیوانی از آنجا که مراقبت مخصوصی نداشت... غالباً در عداد ضیاع مخروبه محسوب می‌گردید... امناء دولت و رجال مملکت بر حسب اشارت شخص همایونی... مزارع و قری و مستغلات دیوان اعلی را به اهل ثروت و مکنات از طبقات رعیت بفروختند و قبایح صحیح مزین به خط آفتاب نقط و خاتم خورشید توام به مشتریان بسپردند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۶: ۱۷۷/۱؛ نک: امین‌الدوله، ۱۳۵۵: ۱۶۴). مجدالاسلام کرمانی نیز در این باره گفته است: «چون شاه مرحوم دید که از داشتن خالصجات منتفع نمی‌شود فکر کرد که آن‌ها را بفروشد و همان عایدی که در دفتر یا اسم هر ملکی نوشته‌اند به عنوان مالیات بر آن ملک تحمیل کند و علی‌الحساب هم مبلغی به اسم تقدیم صدور فرمان از خرید بگیرند، تا هم مبلغی نقداً عاید پادشاه شود و هم املاک را خریداران قهراً آباد می‌نمایند» (مجدالاسلام کرمانی، الف، ۲۵۳۶: ۱۲۰).

به طور معمول، بر مالکیت‌های انتقالی مالیات بسته می‌شد که در ابتدا به جنس برآورد می‌شد؛ سپس مالکان جدید به مآخذ آن نقدی پرداخت می‌کردند که به آن «تسعیر» می‌گفتند (لمبتن، ۱۳۷۷: ۲۸۷). تبدیل مالیات جنس به مالیات نقد نیز، در ادامه احتیاج روزافزون دولت

به پول نقد بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۵۲۸). این روند به افزایش قدرت مالکان در برابر دولت می‌انجامید؛ چرا که به مرور، قیمت اجناس تفاوت پیدا می‌کرد؛ اما مبلغی که به دولت پرداخت می‌شد همواره بر اساس یک نرخ ثابت بود.

در این زمان در کنار املاک خالصه، باید به املاک تیول و وقفی و خصوصی نیز اشاره کرد. در واقع، تیول غیر از خالصجات بود؛ اما چه بسا برخی املاک خالصه نیز، به عنوان تیول واگذار می‌شد. یک نمونه از تیول، عوض پرداخت موجب بود. کسروی اشاره کرده است: «بسیاری از آبادی‌ها به تیول داده شده بود؛ بدینسان که کسانی که از درباریان و از سرکردگان فوج و مانند این‌ها از دولت سالانه یا ماهانه گرفتندی، دولت به جای آنکه خود یکسره پردازد، مالیات یک دیهی را به او واگذاردی که خود از دیه نشینان بگیرد و این کسان چون سالیان دراز این کار را کرده بودند، آن دیه‌ها را از آن خود می‌شمردندی» (کسروی، ۱۳۸۳: ۲۲۸). لمبتن نیز شرح داده است که از زمان آقامحمدخان، اراضی با عنوان تیول به دیگران واگذار می‌شد. در اینجا همچون دوره‌های پیشین، تیول انواع مختلفی از عطایا بوده که نمونه‌ای از آن، اعطای زمین خالصه به جای حقوق و مواجب بود؛ یا تیول‌های عشایری که موظف بودند در عوض قوای نظامی، بنیچه فراهم کنند؛ همچنین اعطای حق وصول مالیات از ناحیه‌ای که یا زمین خالصه بود یا ملک شخص ثالث یا ملک کسی که تیول به او داده می‌شد و در نمونه اخیر، تیول‌دار معاف از پرداخت مالیات بود (لمبتن، ۱۳۷۷: ۲۶۶).

به طور معمول شاهزادگان، روسای ایلات، حکام ایلات، علما و روحانیان و رده‌های عالی دیوانسالاری تیول را دریافت می‌کردند و خود از پرداخت هر نوع مالیاتی معاف بودند؛ مانند مسعودمیرزا ظل‌السلطان، پسر ارشد ناصرالدین‌شاه و حاکم اصفهان که دارای ۹۲ روستای

حوش تهران و حکومت قصبه عبدالعظیم به دست آورد. او مالک حدود ۱۲۰۰ روستا بود؛ میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله که در جوانی فقیر بود، در زمان وفاتش ۲۵ میلیون تومان پول داشت و این علاوه بر دهات، مستغلات متعدد و جواهرات و نقود بود؛ املاک ظل‌السلطان نیز در اوایل قرن بیستم، به ۲ هزار روستا رسیده بود و او حدود ۱ میلیون جمعیت را در مالکیت داشت (امین‌الدوله، ۱۳۵۵: ۵۹ و ۶۰؛ صفائی، ۱۳۴۴: ۹۹ و ۱۰۰، ۱۳۰؛ رواسانی، بی‌تا: ۷۱ تا ۷۳، به نقل از کولاکینا). . املاک علی محمدخان قوام‌الملک شیرازی نیز مناطق وسیعی از بلوچستان تا خوزستان را شامل می‌شد و همچنین، از شمال فارس تا بندرعباس گسترده بود. جزیره کیش نیز تیول وی محسوب می‌شد (حسینی فسائی، ۱۳۸۲: ۱۵۸۹/۲).

از جامعه روحانیان نیز برخی دارای ثروت و املاک وسیعی بودند؛ از جمله آقا شیخ محمدتقی نجفی (متوفی: ۱۳۳۲ ق/ ۱۹۱۳ م)، حاکم شرع اصفهان که بعد از ظل‌السلطان ثروتمندترین مرد شهر بود. در رشت نیز حاج ملارفع شریعتمدار (متوفی: ۱۲۹۲ ق/ ۱۸۵۷ م) و در تهران حاج ملاعلی کنی (متوفی: ۱۳۰۶ ق/ ۱۸۸۷ م) و در تبریز، حاج میرزا جواد مجتهد (متوفی: ۱۲۹۲ ق/ ۱۸۷۵ م) از دیگر علمای زمین‌دار این دوره بودند؛ اما شاید حاجی آقامحسن مجتهد عراقی (اراک) مقتدرترین روحانی زمین‌دار بود. اعتمادالسلطنه درباره وی گفته است: «جامع ما بین منقول و معقول است به ریاست و ثروت و مزایای دیگر بر اقران تقدم دارد و از این جهت همواره محسود بوده و خواهد بود» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۶: ۱۳۵/۱). ظهورالدوله درباره آمار املاک و ثروت او آورده است: «متمول‌ترین و ملاک‌تر از همه جناب حجت‌الاسلام حاجی آقامحسن مجتهد است... سالی بیست و پنج هزار خروار گندم ضبط انبار دارد که از قرار نان یک من دو قران خرواری بیست تومان و بیست و پنج هزار خروارش

بزرگ بود و با وجود این، با حفظ سمت به حکومت کردستان، لرستان، خوزستان، کرمانشاهان، همدان، گلپایگان، خوانسار و در نتیجه حکمرانی هفده ولایت و ایالت جنوب و مغرب ایران منصوب شد. او بر این نواحی نه تنها حکومت، بلکه سلطنت می‌کرد؛ پس ثروت بسیار به دست آورد. یا عبدالله‌خان سردار اکرم، امیر تومان ایل قراگوزلو، در همدان صاحب زمین‌های کشاورزی وسیعی بود. او با احتکار گندم، رعیت را به ستوه آورده بود. پسرش، حسینقلی سردار اکرم، ۹۶ روستا در اختیار داشت. یا شجاع‌السلطنه که روستاهای خالصه بی‌شماری غصب کرد. شجاع‌السلطنه املاک خالصه شیراز را که به رعایا فروخته شده بود به تصرف خود درآورد. یا اقبال‌السلطنه، خان ماکو که دارای ۱۵۰ روستا بود. وی در اوایل مشروطیت، بیش از ۲۵۰ روستای دیگر را نیز مصادره کرد. گفته شده است بعدها، دومین منبع ثروت رضاشاه از املاک وی بود؛ جنوب خراسان و سیستان نیز ملک خصوصی محمدابراهیم علم شوکت‌الملک بود. شیخ خزعل نیز در اوایل قرن بیستم، صاحب املاکی در خوزستان به مساحت بیش از ۲۶۰ کیلومتر مربع شد (نک: اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۶: ۴۳۵/۲؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴: ۳۳۰/۲؛ ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۱۷۷ و ۱۷۸، ۲۱۵ و ۲۱۶؛ ملک زاده، ۱۳۸۳: ۴۵۲/۲؛ مجتهدی، ۱۳۷۷: ۳۹ تا ۴۱؛ اشرف، ۱۳۸۷: ۵۲ و ۵۳).

اموال و املاک محمدولی خان سپهدار نیز بیش از ۲۰ میلیون تومان برآورد شده است. او به فرمان ناصرالدین‌شاه، املاک خالصه استرآباد را در اختیار داشت و برخی خالصجات مازندران را نیز غصب کرد. گفته شده است تنها درآمد محصول برنج املاک او، در سال به سیصد تا سیصد و پنجاه هزار تومان می‌رسید (نک: معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۱۱۷؛ صفائی، ۱۳۴۴: ۳۱۳؛ علوی، ۱۳۸۵: ۵۵). همچنین امین‌السلطان اتابک اعظم در زمان ناصرالدین‌شاه املاکی در تجریش، شمیران، ایلات حول و

فرع‌ها به سند بیع شرط‌ها بیچاره دهقانان را مستاصل می‌نمودند و مالک املاک می‌شدند... تجارت، هر پول‌دار خود را داخل ملاکین کرده و برای خود رعایا و اسراء خرید...» (حاج سیاح محلاتی، ۱۳۵۶: ۴۷۱ تا ۴۷۲). میرزا حسین تحویلدار نیز به تمایل تجار اصفهان به زمین‌داری و کشت و زرع، با هدف فروش و صدور محصولات کشاورزی، اشاره کرده است (نک: تحویلدار اصفهانی، ۱۳۴۲: ۹۲). نمونه مشابه را در این زمان، فسائی در فارس ذکر کرده و در این خصوص نوشته است: «ساله سادات حسینی حاجی میرزا محمدعلی و حاجی میرزا بزرگ تاجر خلفان صدق مرحوم حاجی میرزا سیدمحمد تاجر شیرازی که پدر بر پدر مشغول تجارت بوده به درستکاری معروف گشته‌اند و ولد الصدق حاجی میرزا محمدعلی است: ساله سادات میرزا آقا تاجر، در این چند ساله که متاع تجارت، کاسد و بازار معاملات، فاسد گشته، از سرمایه خود، ضیاع و عقاری در بلوکات فارس، خریده‌اند و حصه دیگر را در معامله تجارت تریاک که نزدیک به ده سال است رواجی گرفته، انداخته‌اند و به این جهت این جماعت را تاجر تریاکی گویند و حاجی میرزا محمدعلی ساکن بندر هنگان چین گشته، تاجر ایرانی، عموم تریاک اصفهان و یزد و فارس را به حواله او روانه چین نمایند» (حسینی فسائی، ۱۳۸۲: ۹۵۶/۲).

به دنبال نفوذ سرمایه‌داری در ایران، تاجر بزرگ که در واردات و صادرات نقش داشتند از سرمایه چشمگیری بهره‌مند شدند. عواملی مانند نبود امکان سرمایه‌گذاری در صنعت، محدودیت دایره فعالیت در بخش توزیع به علت فشار کالا و سرمایه خارجی و نیز امکان صدور مواد خام کشاورزی به بازارهای جهانی برای کسب سود، تشکیل قشر تاجر زمین‌دار را موجب شد (شجیعی، ۱۳۷۲: ۵۹/۴؛ اشرف، ۱۳۵۹: ۸۰؛ رواسانی، بی‌تا: ۴۸، ۶۵ و ۴۹). به نظر می‌رسد تشکیل طبقه تاجر زمین‌دار، معلول حجم واردات

یک کرور تومان می‌شود و گفتند دویست هزار تومان هم نقدی املاک و اجاره مستغلات شهری دارد. پنج هزار تفنگ مکنز با فشنگ دارد. سه هزار تفنگچی در املاکش حاضر دارد» (ظهیرالدوله، ۱۳۵۱، ۷۳ و ۷۴). کاساکوفسکی نیز در خاطرات خود، در آن زمان، اشاره کرده است: «حاج آقامحسن مجتهد در عالم خود نیمه پادشاهی است، در شهرستان عراق (اراک) بیش از ۱۱۰ قشون مصلح دارد؛ علاوه بر ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر مستحفظ دائمی... این برجسته‌ترین نماینده روحانیت قسمت اعظم املاک خود را از قوانین کشدار تملک در ایران و از راه ناحق به دست آورده بود» (کاساکوفسکی، ۲۵۳: ۲۵۳ و ۲۵۴).

چنین به نظر می‌رسد علاوه بر سابقه واگذاری تیول یا غصب و تصرف، بخش عمده آن ناشی از رها شدن املاک خالصه دولت بود. گفته می‌شود ناصرالدین‌شاه در اواخر سلطنت خود، طی فرمانی فروش املاک خالصه، به جزء در حومه تهران را آزاد اعلام کرد و در ظرف ۱۰ سال، اکثر این املاک به فروش رفت (لمبتن، ۱۳۷۷: ۲۷۷ تا ۲۸۸). فوران اشاره کرده است این روند از سال ۱۲۶۶ ق/ ۱۸۵۰ م و به طور قطع، از سال ۱۲۹۷ ق/ ۱۸۸۰ م شروع شد و طی آن مقام‌های ارشد، دیوانیان، روسای ایلات، والیان و حکام صاحب املاک وسیعی شدند (فوران، ۱۳۸۰: ۱۸۸ تا ۱۸۹).

تحول عمده دیگر اواخر عصر ناصری، شکل‌گیری طبقه تاجر زمین‌دار بود. مبانی ساختاری قدرت تجار زمین‌دار، در ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی ریشه داشت و در عمل، بخش عمده‌ای از املاک دولت را این گروه خریده بودند. حاج سیاح در خاطرات خود نقل کرده است: «تجار هم این نعمت بی‌زحمت را در ملاکی دیدند... آن‌ها که می‌بایست در تجارت مملکت و ترویج متاع وطن و مصنوعات ایران صرف شود آنان هم با فریب دادن مالکان دهات اطراف به دادن مال‌الاجاره به چند مقابل و رفتن

کالاهای خارجی بود. آنان می‌توانستند از این رهگذر، سرمایه خود را افزایش دهند؛ اما به علت صنایع پیشرفته نوظهور غرب در تولید کالاهای انبوه و مبادرت به صدور آن، تجار ایرانی در تولید و فروش توانایی رقابت با آنان را نداشتند. بعدها در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه، تلاش‌های سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی و میرزا نصرالله بهشتی (ملک‌المتکلمین) مبنی بر تشویق تجار اصفهان و تاسیس صنایع داخلی با عنوان «شرکت‌های اسلامی» در اصفهان و سپس شیراز، دال بر توسعه نیافتن صنایع داخلی و نیز ناتوانی آنان در رقابت با صنایع خارجی بود. از این رو در این زمان، تجار ناچار بودند به جای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و تولید کالاهای صنعتی به راه آسان‌تر، یعنی خرید املاک کشاورزی و فروش محصولات خام آن، روی آورند؛ چنان‌که فسائی به بازار پرونق فروش تریاک اشاره کرده است. این امر از کشت خشخاش توسط تجار زمین‌دار در سطح گسترده، در شهرهای مختلف ایران حکایت دارد. بنابراین سرمایه به جای صنعت، در جهت زمین‌داری سوق داده شد که نتیجه آن، شکل‌گیری طبقه تجار زمین‌دار بود.

حاج محمدحسن امین‌الضرب و پسرش، حاج محمدحسین امین‌الضرب، از جمله این تجار بزرگ زمین‌دار بودند. حاج محمدحسن در اوایل عمر فقیر بود و برای صرافی دوره‌گردی می‌کرد؛ اما بعد از گذشت چند سال، مجموع دارایی غیرمنقول و املاک و سرمایه آن‌ها به چند میلیون می‌رسید و این پدر و پسر بیشتر خالصجات سلطنتی سیستان را خریداری کردند؛ برادران تومانیانس ارمنی نیز از این گروه بودند که دارایی آنان تا ۳ میلیون می‌رسید؛ یا حاج معین‌التجار بوشهری که در اوایل عمر فقیر و مدتی در نجف اشرف کفش‌دار زوار بود؛ اما بعدها املاک پهناوری به دست آورد و با هندوستان و انگلستان معاملات پرسودی انجام داد. وی در اوایل سلطنت مظفرالدین‌شاه، ناحیه ممسنی در فارس را از دولت

خریداری کرد؛ همچنین حاج کاظم ملک‌التجار که دارایی وی به حدی بود که می‌توانست در یک نوبت ۸۰ هزار تومان به شاهزاده موبالدوله قرض دهد. او از نظر میزان دارایی، بعد از امین‌الضرب و برادران تومانیانس قرا داشت (نک: لمبتن، ۱۳۸۹: ۴۶۵؛ علوی، ۱۳۸۵: ۳۱، ۱۳۸ و ۱۳۹؛ اشرف، ۱۳۸۷: ۵۳؛ رواسانی، بی‌تا: ۴۸ و ۴۹؛ اتحادیه، ۱۳۸۱: ۱۹۲؛ شهواری، ۱۳۸۴: ۱۲). حاج سیاح نقل کرده است که در سال‌های پایانی سلطنت ناصرالدین‌شاه، حرص و طمع عجیبی در میان حکام، روحانیان، روسای ایلات و بالاخره تجار برای به چنگ آوردن املاک پدید آمده بود (حاج سیاح محلاتی، ۱۳۵۶: ۴۷۱). آمار زیر نشان می‌دهد که در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه، از میزان املاک دولت به طور چشمگیری کاسته شده و بر نظام بزرگ مالکی و املاک خصوصی و اربابی افزوده شده است؛ چنان‌که ۶۶ درصد املاک در اختیار زمین‌داران بزرگ بوده، ۱۰ درصد املاک وقفی، ۶ درصد از خرده مالکان، ۴ درصد از روسای قبایل، و تنها ۴ درصد در دست دولت باقی مانده بود (رواسانی، بی‌تا: ۶۹).

بنابراین در آستانه انقلاب مشروطه، در سایه فروش اراضی خالصه و نیز تمایل تیول‌داران به موروثی کردن املاک خود و همچنین، ورود عناصر جدید از جمله تجار یا دیگر صاحب منصبان دولتی به عرصه زمین‌داری، املاک خصوصی و نظام بزرگ مالکی به طور چشمگیری گسترش یافته بود. از یک طرف، زمین‌داران اعم از اعیان، اشراف، شاهزادگان، روحانیان، تجار و روسای ایلات به طور بی‌سابقه‌ای قدرتمند شده و با وجود اختلافات، خود به عناصر مهمی از نیروهای اجتماعی انقلاب مشروطه تبدیل شدند؛ از طرف دیگر، دهقانان و رعایای دهات در نتیجه رشد املاک خصوصی و اربابی و تجاری شدن کشاورزی و به دنبال ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی، بیش از پیش به ملاکان و زمین‌داران وابسته شدند و در آستانه انقلاب مشروطه، نیروهای منفعلی بیش نبودند.

## اندیشه تقسیم اراضی میان رعایا و دهقانان

گسترش املاک خصوصی و به دنبال آن ظلمی که در حق رعایا می‌شد، باعث شد که اندیشمندان و روشنفکران آن عصر زمینه را برای طرح تقسیم اراضی فراهم کنند. اولین بار میرزا ملکم‌خان طرح واگذاری املاک به دهقانان را بیان کرد. وی در قانون هفتادوسوم دفتر تنظیمات (کتابچه غیبی)، فروش املاک خالصه دیوانی را به دهقانان مطرح کرد. اجرای این قانون را نیز از وظایف وزیر داخله دانست (محیط طباطبائی، ۱۳۲۷: ۵۰). پس از وی، طالبوف نیز طرح الغای نظام ارباب رعیتی را القا کرد. وی معتقد بود: «به واسطه یک هیئت موثقه، اراضی ملاکان ایران قیمت شود، آن‌ها را به تبعه تقسیم نمایند که در عرض سی سال هر کس سهم خرید قسمت خود را به ضمانت دولت ایران به صاحب ملک ادا کند. اگر کسی بخواهد نقد بگیرد، با تزیل صد و سه هر وقت مختار است از بانک پادشاهی پول خود را اخذ نماید. بعد از این نباید در ایران ملاک باشد، همه اراضی شخصی یا خالصه دیوانی باید به تبعه فروخته شود که خود تبعه مختار و مالک باشد...» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۶۹ و ۱۷۰). اما دهخدا، برخلاف ملکم‌خان و طالبوف، مسئله فروش را مطرح نکرد؛ بلکه معتقد بود املاک خالصه را بایستی به رایگان میان دهقانان تقسیم کرد، با وجود این، درباره املاک خصوصی، دهخدا فروش اجباری آن‌ها را لازم می‌شمرد (نک: دهخدا، ۱۳۶۴: ۱۱۹ تا ۱۳۱). مجدالاسلام کرمانی نیز، همچون طالبوف، به فروش املاک خالصه به رعایا معتقد بوده است. وی گفته است: «اصل عمل به عقیده ما بسیار مستحسن ولی فروش به صاحبان قدرت و ثروت بسیار مستحجن بود... ترتیب این بود که هر دهی را به همان اشخاصی که آن ده را زراعت می‌نمایند واگذار فرمایند تا هم رعایا صاحب ثروت شوند و هم همیشه نرخ غله ارزان بماند...». راهکار وی این بود که «قیمتی را بر زمین مشخص کنند و رعیت در ظرف چند سال

تدریجاً از زحمت خود بر زمین آن را پرداخت کند...» (مجدالاسلام کرمانی، (الف)، ۲۵۳۶: ۱۲۰ و ۱۲۱). از گروه‌های سیاسی نیز، باید به اجتماعيون عاميون<sup>۱</sup> اشاره کرد که در زمینه اصلاحات ارضی برنامه‌ای رادیکالی داشت. برای اولین بار شاخه مشهد این حزب، در سال ۱۲۸۶ ش/۱۹۰۷ م، تقسیم املاک خالصه را بدون غرامت بین رعایا مطرح کرد و در خصوص املاک خصوصی یا اربابی نیز معتقد بود دولت باید این املاک را بخرد و به روستاییان واگذار کند (آدمیت، ۲۵۳۵: ۴۵). این فرقه همچنین معتقد بود مالیات بایستی به نسبت دارایی و عایدات اخذ شود؛ یعنی آنچه از طریق املاک یا تجارت حاصل می‌شد و هرکس چنین عایدی نداشت، باید از پرداخت مالیات معاف می‌شد (آدمیت، ۲۵۳۵: ۴۶). فرقه دموکرات<sup>۲</sup> نیز، در مقابل فرقه اعتدالیون<sup>۳</sup> که بر حفظ مالکیت خصوصی تاکید می‌کرد، اصلاح نظام زمین‌داری را در دستور کار خود قرار داده بود. این فرقه دو پیشنهاد مطرح می‌کرد: اول اینکه اراضی خالصه بین دهقانان تقسیم شود و دولت از آنان مالیات دیوانی بگیرد؛ دوم اینکه مالکان به تجارت روی بیاورند و املاک خود را به دهقانان بفروشند و در تحقق این امر، دولت باید از طریق ایجاد بانک کشاورزی به دهقانان وام دهد تا بتوانند املاک اربابان را بخرند (آدمیت، ۲۵۳۵: ۳۰۹/۱ تا ۳۱۱). برنامه اصلاحات ارضی این فرقه، در مقایسه با اندیشه‌های دهخدا و فرقه اجتماعيون عاميون، چندان انقلابی به نظر نمی‌رسد؛ اما در مقایسه با فرقه اعتدالیون که بر مالکیت خصوصی تاکید می‌کردند، گامی اصلاحی محسوب می‌شود و این همان طرحی است که پیش از این طالبوف و مجدالاسلام کرمانی نیز آن را مطرح کرده بودند.

## تأثیر انقلاب مشروطه بر تحول نظام زمین‌داری

همان‌طور که سخن آن رفت، در آستانه انقلاب مشروطه، نظام زمین‌داری در جهت رشد املاک خصوصی



بیانگر جو محافظه‌کارانه و هم‌سوئی منافع آنان در مجلس است و اینکه دست کم، اقدامی در جهت اصلاحات اساسی به نفع رعایا و دهقانان صورت نگرفته است؛ برای مثال ماده ۱۵ متمم قانون اساسی، مبنی بر اینکه «هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی‌توان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تادیه قیمت عادلانه» و نیز ماده ۱۶ «ضبط املاک و اموال مردم به عنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر به حکم قانون» (لمبتن، ۱۳۷۷: ۳۳۲؛ شمس، ۱۳۹۰: ۳۹ تا ۴۲). برخی همچون تقی‌زاده، مجلس اول را به علت برخی اقدامات اساسی<sup>۴</sup> مجلسی انقلابی توصیف کرده‌اند؛ اما چنین به نظر می‌رسد که مجلس در برخورد با مسائل و مشکلات دهقانان، غیرانقلابی عمل کرد و موضوع نسخ قاعده تیول نیز از آنجا که حاصلی برای دهقانان نداشت جای بحث و بررسی دارد.

نابه‌سامانی اوضاع مالی و قروض و کسری بودجه دولت باعث توجه مجلس به تنظیم امور مالی شد. بحث تفاوت عملکرد<sup>۵</sup> و تیول و تسعیر، از جمله مسائلی بود که مجلس در دستور کار خود قرار داد. مسئله تفاوت عمل که کمیسیون مالی مامور ارائه راه حلی برای آن بود، در صحن علنی مجلس مطرح شد. وثوق‌الدوله<sup>۶</sup> حاصل مذاکرات کمیسیون را چنین بیان می‌کند که تفاوت عملی که حکام می‌گرفتند از این پس، با اصل مالیات جمع و به دولت پرداخت می‌شود. شیخ حسین شهیدی<sup>۷</sup> گفته است: «این تفاوت عمل جزء اصل مالیات که نبود زیادی بود که حکام به ظلم می‌گرفت این مجلس که عین عدل است به چه قاعده این حکم را می‌کند». در مقابل ثقة‌السلطنه<sup>۸</sup> بیان کرده است: «این تفاوت عمل که می‌گویند چیزی نیست که یک دینار ضرری بر رعیت داشته باشد...». حسام‌الاسلام، نماینده گیلان، نیز در همین راستا تفاوت عمل را یک پیشکش می‌دانسته و گفته است: «رعیت ترقی کرده پیشکشی هم ترقی کرده...». حسین شهیدی که

و اربابی پیش رفت. سوال اینجاست که انقلاب مشروطه چه تاثیری بر این روند گذاشته است؟ در این خصوص، ترکیب طبقاتی نمایندگان مجلس اول (۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ ق/۱۹۰۶ تا ۱۹۰۸ م) و ماهیت مذاکرات آنان می‌تواند رویکرد دولت مشروطه را به مسئله زمین‌داری آشکار کند. در نظامنامه انتخاباتی دولت مشروطه، رای‌دهندگان شامل طبقات شش‌گانه زیر بودند: ۱. شاهزادگان؛ ۲. اعیان و اشراف؛ ۳. علما و طلاب؛ ۴. تجار؛ ۵. ملاکان و فلاحان؛ ۶. اصناف. در ارتباط با ملاکان و فلاحان ابهامی وجود دارد؛ چرا که در ماده اول نظامنامه آمده است: «ملاک عبارت از ارباب ملک است و فلاح عبارت از زارع»؛ اما ماده دوم؛ درباره شرایط انتخاب‌کنندگان گفته است: «ملاکین و فلاحین باید صاحب ملکی باشند که هزار تومان قیمت داشته باشد» (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴: ۵۱۵/۳-۵۱۴). که به نظر می‌رسد چنین ملکی، با این قیمت، در توان دهقانان نبود. آدمیت نیز اشاره کرده است، در نظامنامه انتخاباتی مفهوم فلاح یا زارع بر خرده مالک دلالت داشت و به اصطلاح، رعیت بدون آب و ملک را شامل نمی‌شد. مذاکرات مجلس اول نیز، از این امر حکایت نمی‌کند که حق نمایندگی این طبقه مطرح شده باشد؛ بلکه نمایندگان آنان در انحصار ملاکان قرار می‌گرفت و از طبقه رعایا نماینده‌ای انتخاب نمی‌شد (آدمیت، ۲۵۳۵: ۳۵۱/۱).

در مجلس اول، نسبت نمایندگان زمین‌دار در حدود ۲۱ درصد ذکر شده است (شجیعی، ۱۳۷۲: ۲۶۱/۴)؛ اما از آنجا که بسیاری از اعیان و اشراف، شاهزادگان و تجار و نیز سایر مقامات حکومتی در زمره مالکان بودند نسبت آنان در مجلس اول، به ۴۰ درصد هم می‌رسید (فوران، ۱۳۸۷: ۲۸۲). از این رو، در میان ترکیب عناصر مجلس اول، نوعی اشتراک منافع به وضوح دیده می‌شود؛ مشروح مذاکرات مجلس اول و نیز اصول متمم قانون اساسی که در تاریخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵/۱۷ اکتبر ۱۹۰۷ تصویب شد،

دو تومان یا دو هزار مثلاً بدهد و حفظ ملیت خود را بکند...» در مقابل حاج میرزا ابراهیم<sup>۱۶</sup> گفته است: «می‌فرمایید پنج کروار کسری را رعیت دهد...». مستشارالدوله<sup>۱۷</sup> اشاره کرده است: «عقل حکم می‌کند که تیول‌ها برگردد؛ ولی کمیسیون مالیه ملاحظه کند به چه شکل باید برگردد که تفاوت عمل آن عاید دولت شود». تقی‌زاده نیز گفته است: «امروز سلطنت قدیم مشروطه شده باید رعیت صاحبان تیول هم مشروط شوند» (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۲۵: ۵۵ تا ۵۸).

نتیجه آنکه کمیسیون مالیه که مامور رسیدگی به مسئله بود، به لغو تیول رای داد و مقرر شد خود دولت به جمع‌آوری مالیات پردازد و در عوض، مالکان و تیول‌داران حقوق خود را مستقیم از خزانه دولت با اقساط مقرر دریافت کنند. تفاوت عمل یا مالیات اضافه نیز، از دوش رعایا برداشته نشد و رعایا همچنان موظف به پرداخت آن بودند؛ منتها به جای ارباب ملک، مستقیم به خزانه دولت پرداخت می‌کردند. در خصوص تسعیر نیز قرار بر این شد که پرداخت مالیات به صورت دادن جنس حذف شود و خود دولت به طور مستقیم، با فروش اجناس به قیمت روز، اقدام کند (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۲۵: ۶۳؛ کسروی، ۱۳۸۳: ۲۲۹؛ جمال‌زاده، ۱۳۶۲: ۱۲۴؛ عیسوی، ۱۳۶۲: ۵۷۶ و ۵۷۷). بنابراین تصمیمات مجلس اول، تحول انقلابی در نظام زمین‌داری ایران به نفع رعایا و دهقانان به همراه نیاورد و اقدامات صورت گرفته را می‌توان در راستای پر کردن خلاء مالی دولت نوپای مشروطه تفسیر کرد. لمبتن اشاره کرده است که در اوضاع جدید نیز، ماموران دولت کسانی غیر از نمایندگان خود ملاکان نبودند و قدرت همچنان در دست عمده مالکان باقی ماند (لمبتن، ۱۳۷۷: ۳۳۳). جالب‌تر اینکه بخشی از عواید تیول، حتی بعد از لغو آن، به مالکان قبلی پرداخت می‌شد و تنها بخشی به خزانه دولت می‌رفت (.....).  
..... مستوفی در شرح زندگانی خود آورده

در ابتدا مخالف بود، در ادامه بیان کرده است: «اگر حدود آن معین شود که تعدی صورت نگیرد ضرری ندارد». حاج معین‌التجار<sup>۹</sup> نیز موافق اخذ تفاوت عمل بوده و مثل شهیدی خواهان بوده است که وزیر مالیه طوری صورت دهد که زیاده نگیرند. سیدحسن تقی‌زاده<sup>۱۰</sup> نیز گفته است: «در گرفتن تفاوت عمل حرفی نیست؛ ولی محصلین وزارت مالیه بگیرند نه حکام» (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۲۵: ۵۵).

با دنبال کردن مذاکرات مجلس اول، در خصوص تیول نیز، متوجه می‌شویم که به ظاهر تقی‌زاده اولین کسی بوده که رسیدگی به آن را مطرح کرده است. مخیرالملک<sup>۱۱</sup> اشاره کرده است: «تیول باید برگردد و یک فایده آن این است که محکومین غله نمی‌توانند احتکار کنند و نرخ غله به دست دولت خواهد بود و ارزان خواهد شد». اما نظر شیخ حسین شهیدی: «من عقیده‌ام این است که کلیه تیول باید برگردد...». آقا میرزا محمود خوانساری<sup>۱۲</sup> نیز گفته است: «... آیا این رعیت فقیر از سلطان عصر که اطاعت او بر تمام ماها واجب است رعیت چند پادشاه باید باشد یک پادشاه صاحب تیول‌ها یک پادشاه حاکم محل یک پادشاه مباشرین... چه ضرر دارد که تمام تیول‌ها برگردد و فایده کلی هم عاید دولت شود و رعایا هم از دست ظلم و استبداد فوق‌العاده خلاص شوند». آقا میرزا ابوالحسن خان<sup>۱۳</sup> گفته است: «اگر راهی وجود دارد که منافع آن به دولت می‌رسد همین ساعت رای دهید تیول‌ها برگردد». اما نظر مشهدی باقر: «تیول‌ها را برگردانید و پنج کروار کسر محل و قروض را بدهیم غیر این تیری در ترکش نداریم». احسن‌الدوله<sup>۱۵</sup> بیان کرده است: «با وجود سلطنت مشروطه و آزادی ملت غیرممکن است که رعیت بندگی ارباب تیول را قبول نمایند». وی پیشنهاد کرده است تیول‌ها لغو شده و تفاوت عمل آن‌ها با نظارت انجمن‌های محلی وصول شود. آقا میرزا محمود خوانساری نیز گفته است: «چه ضرر دارد رعیت تومانی

است: «روزنامه‌های زمان خیلی باد به بوق الغای تیول کردند در صورتی که واقع امر غیر از آن بود که شهرت داشت. این قانون به ضرر رعیت‌ها بود و چندان ضرری متوجه اعیان که صاحب تیول بودند نمی‌کرد؛ بلکه نفع آن کلاً به حکام و فراش‌باشی‌هایی که من بعد در قلمرو خود بدون استثناء و بی‌قرق می‌چریدند عاید می‌گردید» (مستوفی، ۱۳۸۴: ۲۵۲).

مبنای ساختاری قدرت ملاکان بر اساس نظام تیول و نیز مخالفت‌های آنی آنان به اقدام مجلس، در تصدی دوباره آنان بی‌تاثیر نبود؛ چنان‌که روزنامه صبح صادق اشاره کرده است، عده‌ای از تیولداران در خانه نقیب‌السادات شیرازی که خود از تیولداران بود اجتماع کرده و عریضه‌ای منتشر کردند مبنی بر اینکه «سال‌ها ما از این راه نان خورده و حال مجلس مقدس برگشت تیولات را امضا فرموده‌اند پس خوب است تکلیفی از برای ما معین فرمایند» (صبح صادق، ۱۳۲۵ق: ش ۲/۵۴؛ نک: انجمن تبریز، ۱۳۲۵ق: ش ۴/۱۱۰). علاوه بر این، خود وکلای زمین‌دار مجلس، شورای بزرگی برای کارهای خودشان تدارک دیدند و برای بقای خود، به چاره‌اندیشی پرداختند. شیوه جدید آنان این بود که نه به عنوان صاحبان تیول، بلکه با عنوان مامور از جانب حکومت مالکیت خویش را تداوم بخشند (نک: جبل‌المتین، ۱۳۲۵ق: ش ۷/۱ و ۸؛ صبح صادق، ۱۳۲۵ق: ش ۱/۵۵).

می‌توان از مطالب برخی روزنامه‌های آن عصر، تداوم قدرت ملاکان در وضع جدید را پی‌گیری کرد؛ چنان‌که آمده است: «وزیر داخله صاحبان تیول را به اسم حکومت بر تیولات مستقر کند و گناه آن را به گردن وزیر مالیه بگذارند» (جبل‌المتین، ۱۳۲۵ق: ش ۲/۹۷)؛ یا روزنامه انجمن تبریز نوشت: «با وجود برگشتی تیولات و موقوفی تسعیر، باز آقایان در کار خود باقی و به تیولات دخل و تصرف می‌نمایند» (انجمن تبریز، ۱۳۲۵ق: ش ۷۷ و ۳/۷۸؛ نک: صبح صادق، ۱۳۲۵ق: ش ۳/۴۹). از نطق برخی

نمایندگان خود مجلس نیز، می‌توان به این موضوع پی برد؛ چنان‌که حاج سیدعبدالحسین شهشهبانی<sup>۱۸</sup> گفته است: «تیول موقوف شده و حال آنکه همان تیولات را به خودشان می‌دهند و پیشکشی هم می‌گیرند»؛ یا نطق شیخ حسین شهیدی که گفته است: «این تیولات که حکومت آن‌ها باز همان صاحبان شده است» (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۲۵: ۱۲۲ و ۱۴۰). حتی زمانی که در برخی ایالات، به ویژه گیلان و آذربایجان، دهقانان در مقابل اقدامات مجلس و ملاکان سر به شورش برداشتند مجلس نه تنها از آنان حمایت نکرد، بلکه به شدت خواهان سرکوب و انحلال انجمن‌های روستایی شد (نک: رابینو، ۱۳۶۸: ۵ تا ۱۸؛ آدمیت، ۲۵۳۵: ۴۶۳/۱ تا ۴۷۰؛ آفاری، ۱۳۷۹: ۲۰۳ تا ۲۴۰).

مجلس همچنین در پاسخ به تلگراف ملاکان گیلان که از رعایا شکایت کرده بودند، گزارش بیان کرده است: «اهالی رشت به درستی معنی مشروطیت و حریت را نفهمیدند و رعایا بنای خودسری را گذاشته‌اند و عجب‌تر آنکه انجمن ایالتی رشت اصول مشروطیت را به اهالی آنجا نفهمانیده‌اند لهذا مجلس قویاً خواهش می‌نماید که اصول مشروطیت را به مردم فهمانده و رفع این اغتشاشات را نمایند» (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۲۵: ۵۸). یا این نطق وزیر عدلیه، یعنی عبدالحسین فرمانفرما که خود از حکام و ملاکان معروف بود: «رعیت ما علم ندارد و نمی‌دانند معنی مشروطیت چیست و همچو می‌پندارند که باید مال مردم خورد و بهره شرعی مالک را هم نداد... به موجب حکم رسول‌الله هر کس هر قدر دارد مال خودش است...» (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۲۵: ۱۲۵). او همچنین در خصوص رعایای کرمان گفته است: «همه آنچه مجلسیان شهرت دادند دروغ و بی‌فروغ بود. ظل‌الله است و مالک رقاب باید مالیات را مثل سابق اصلاً و فرعاً و رشوه و جریمه را بهتر و خوب‌تر بدهند» (صویراسرافیل، ۱۳۲۵ق: ش ۴/۳).

## نتیجه

در زمان ناصرالدین‌شاه، به ویژه در اواخر سلطنت وی، تحولاتی چند در نظام زمین‌داری پدید آمد. از یک طرف شاهد رشد نظام تیول‌داری در مقابل مالکیت خاصه دولت بودیم که در نتیجه رسیدگی نکردن به املاک خالصه و کاهش عواید آن و احتیاج روزافزون شاه به پول، ناصرالدین‌شاه اقدام به فروش و واگذاری املاک خالصه کرد. از طرف دیگر، ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی و به دنبال آن نفوذ سرمایه‌داری در ایران، موجب شد تجار بزرگ از این جریان سرمایه‌کلانی به دست آورند. آنان به جای سرمایه‌گذاری در بخش تولید و صنعت، به خرید املاک کشاورزی روی آوردند. از این طریق، قشر جدیدی از تجار زمین‌دار نیز پدید آمد. ظهور اندیشه تقسیم اراضی میان دهقانان نیز، به علت رشد املاک خصوصی و قدرت ملاکان بود. اما در پاسخ به این سوال که انقلاب مشروطه چه تاثیری بر این روند و نظام زمین‌داری گذاشته است، می‌توان گفت انقلاب مشروطه برخاسته از بطن جامعه و طبقات پایین نبود، بلکه گروه‌های مختلف زمین‌دار اعم از اعیان، اشراف، شاهزادگان، روسای ایلات، روحانیان و بعضاً تجار بزرگ در کنار سایر گروه‌های تجار، اصناف و روشنفکران بخش عمده‌ای از نیروهای سیاسی انقلاب بودند. این گروه‌ها با وجود منشاء طبقاتی گوناگون، در ارتباط با سرمایه‌گذاری و مالکیت بر زمین دارای منافع مشترک بودند. انقلاب مذکور نیز بیش از پیش، به تثبیت قدرت ملاکان در مقابل گروه‌های مختلف انجامید. ماهیت مذاکرات مجلس اول نشان می‌دهد که مسئله تقسیم اراضی میان دهقانان به هیچ وجه مطرح نبود. در خصوص تفاوت عملکرد و تسعیر نیز نه تنها باری از دوش دهقانان برداشته نشد، بلکه اقدامات صورت گرفته تا حدودی خلاء مالی دولت نوپای مشروطه را پر کرد. نسخ قانده تیول نیز حاصلی برای دهقانان نداشت و به جای واگذاری املاک تیولی به دهقانان، در وضع جدید نیز

روزنامه حبل‌المتین نیز شورش‌های دهقانی را محکوم کرده و چنین نوشته است: «در این مسئله عقیده ما بر آن است که انجمن ابوالفضل<sup>۱۹</sup> از حدود خود به کلی تخطی کرده و در اذهان فلاحین و اهل دهات بعضی عقاید زشت القا کرده و آن‌ها را ترغیب و تحریص بر ندادن حقوق دیوان و حقوق ملاکین نموده... بحمدالله ما قانون شرع و کتاب سنت در دست داریم و در هیچ یک از آن‌ها چنین قانونی ثبت نشده که رعیت حقوق مالک و مال الاجاره را نهد» (حبل‌المتین، ۱۳۲۵ق: ش ۴/۱۷۷). با وجود این، معدود نمایندگانی نیز بودند که به مخالفت با ملاکان برخاستند؛ اما انقلابی‌ترین آن‌ها، یعنی تقی‌زاده، نیز پیشنهاد کرده است: «...مالک سر سال برود و حقوق خود را دریافت کند» (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۲۵: ۵۸). بنابراین در آستانه انقلاب مشروطه، نظام زمین‌داری در جهت تسلط و افزایش قدرت ملاکان پیش رفت و پس از آن نیز، آنان همچنان جایگاه خود را حفظ کردند. انقلاب مشروطه انقلابی شهری بود و ملاکان و زمین‌داران، برخلاف فئودال‌های اروپایی، در شهرها به سر می‌بردند؛ اما در عمل، آنان به عنوان بخشی از نیروهای سیاسی انقلاب درآمدند و خود در راس دولت قرار گرفتند. برخی از ملاکان، از جمله سپهدار، به رئیس‌الوزرائی نیز رسیدند. به عبارتی، می‌توان گفت انقلاب مشروطه قدرت ملاکان را تثبیت کرده و بیش از پیش، به گسترش نظام بزرگ مالکی کمک کرد. رشد نظام بزرگ مالکی را می‌توان در ترکیب و تعداد نمایندگان چند دوره مجلس شورای ملی به وضوح مشاهده کرد؛ چنان‌که نسبت زمین‌داران از ۲۱ درصد در دوره اول مجلس (۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ ق/ ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۸ م) به ۳۰ درصد در دوره دوم (۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ ق/ ۱۹۰۹ تا ۱۰۱۱ م) و تا ۴۹ درصد در دوره سوم (۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ ق/ ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۶ م) رسیده بود (نک: شجیعی، ۱۳۷۲: ۲۶۱/۴).

بسیاری از املاکی که در سابق آباد بود اکنون متروکه می‌شد؛ ولی حکام همان مالیات را از رعیت می‌گرفتند. یا چه بسا املاک متروکه‌ای که به مرور آباد شد و اسم آن‌ها در کتابچه نیامد؛ ولی حکام مالیات را نیز بر این املاک مقرر کردند؛ به عبارتی به مرور زمان حکام هر کدام برای خود کتابچه‌ای تدارک دیدند؛ اما تفاوت عمل را بر اساس کتابچه قدیمی دولت می‌پرداختند؛ برای مثال دهکده‌ای که به فرض در سال ۱۲۵۵ ق، دارای ۵۰ خانوار بود ۵۰ تومان مالیات می‌داد و سال ۱۳۰۰ ق که سکنه آن به ۱۵۰ خانوار می‌رسید ۱۵۰ تومان مالیات می‌گرفتند؛ ولی مطابق کتابچه قدیمی همان ۵۰ تومان به دولت پرداخت می‌شد و ۱۰۰ تومان تفاوت عمل استفاده شخصی ارباب ملک بود. از این رو تفاوت عمل به مرور به سود ملاکان و حکام و به زیان دولت بود (نک: تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۳۴؛ کسروی، ۱۳۸۳: ۲۲۹؛ مجدالاسلام کرمانی، (ب)، ۲۵۳۶: ۳۳۴ و ۳۳۵؛ شمیم، ۱۳۷۲: ۳۵۲ و ۳۵۳).

۶. میرزا حسن خان وثوق‌الدوله نماینده تجار از طهران و نایب رئیس اول مجلس. جایگاه و خاستگاه شهری و طبقه‌ای نمایندگان برگرفته از کتاب «تاریخ مجلس شورای ملی ایران» سیدحسن تقی‌زاده است.

۷. نماینده قزوین.

۸. یحیی میرزا ثقة‌السلطنه نماینده شاهزادگان از طهران.

۹. حاجی آقا محمد معین‌التجار بوشهری نماینده تجار از طهران.

۱۰. از نمایندگان تجار آذربایجان.

۱۱. محمدقلی خان مخبرالملک از نمایندگان تجار تهران.

۱۲. نماینده کتابفروشی‌ها در طهران.

۱۳. نماینده اعیان و اشراف از فارس.

۱۴. نماینده بقال‌ها از طهران.

۱۵. میرزا حسن خان احسن‌الدوله نماینده فلاحین از آذربایجان.

۱۶. نماینده اصناف از آذربایجان.

ماموران اداره این املاک کسانی جز نمایندگان خود ملاکان نبودند. پس قدرت در شکل ساختاری آن، همچنان در دست مالکان عمده باقی ماند. تاکید بر حفظ املاک خصوصی در اصول متمم قانون اساسی و نیز تاکید مجلس بر سرکوب جنبش‌های دهقانی و انحلال انجمن‌های روستایی، همچنین افزایش درصد تعداد نمایندگان زمین‌دار از ۲۱ درصد در دور اول به ۴۹ درصد در دور سوم، از تاثیر انقلاب مشروطه بر رشد نظام بزرگ مالکی حکایت می‌کند.

### پی‌نوشت

۱. این فرقه تحت تاثیر سازمان همت وابسته به حزب سوسیال دموکرات روسیه در سال ۱۳۲۳ ق/ ۱۹۰۵ م در باکو تاسیس شد.
۲. این جناح برآیند همان اجتماعيون است که در جریان انتخابات مجلس دوم تاسیس شد و تحت تاثیر حزب سوسیال دموکرات قفقاز بود. تقی‌زاده رهبری این حزب را بر عهده داشت.
۳. جناح مخالف فرقه دموکرات در مجلس دوم بود که خط‌مشی غیرانقلابی داشت و طرفدار اصلاحات تدریجی بود. اکثر زمین‌داران و محافظه‌کاران از این جناح حمایت می‌کردند.
۴. از جمله برچیدن حکومت متنفذان همچون حاج آقامحسن عراقی از اراک، سپهدار از تنکابن، قوام‌الملک از شیراز، ظل‌السلطان از اصفهان، حاج میرزای مجتهد از تبریز، سردار امجد از کرگانرود و سایرین. همچنین قطع مستمریات شاهزادگان و رای به نسخ قاعده تیول (تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۳۱ تا ۳۴).
۵. هر سال حکام محلی مبلغی به اسم تقدیم اضافه یا تفاوت عمل بر اصل مالیات می‌افزودند و به دولت می‌دادند که از زمان ناصرالدین‌شاه مالیات بر اساس کتابچه‌ای جمع‌آوری می‌شد؛ اما به مرور زمان، چه بسا

۱۷. نماینده اعیان از آذربایجان.  
 ۱۸. نماینده مشهد.

۱۹. انجمن ابوالفضل (یا عباسی) متشکل از پیشه‌وران و کاسبان انقلابی رشت بود و کسانی چون افصح‌المتکلمین، مدیر روزنامه خیرالکلام، سیدجلال شهرآشوب و رحیم شیشه‌بر، از اعضای انجمن ولایتی رشت، آن را اداره می‌کردند. هدف انجمن پشتیبانی از دهقانان و مبارزه با زمامداران و ملاکان رشت بود.

تقی‌زاده، حسن، (۱۳۷۹)، تاریخ مجلس شورای ملی ایران، به کوشش عزیزالله علیزاده، تهران: فردوس.  
 جمال‌زاده، محمدعلی، (۱۳۶۲)، گنج شایگان، تهران: کتاب تهران.

حسینی فسائی، حاج میرزاحسن، (۱۳۸۲)، فارسنامه ناصری، به تصحیح منصور رستگار فسایی، ج ۲، چ ۳، تهران: امیرکبیر.  
 حاج سیاح محلاتی، محمدعلی، (۱۳۵۶)، خاطرات حاج سیاح، به کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف‌الله گلکار، چ ۲، تهران: امیرکبیر.

دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۶۴)، مقالات دهخدا، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: تیراژه.

رایینو، ه. ل، (۱۳۶۸)، مشروطه گیلان از یادداشت‌های رایینو، به کوشش محمد روشن، تهران: طاعتی.

رواسانی، شاپور، (بی‌تا)، دولت و حکومت در ایران، بی‌جا: شمع.

شجیعی، زهرا، (۱۳۷۲)، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران: سخن.

قانون اساسی از فرمان مشروطیت تا امروز، (۱۳۹۰)، زیرنظر و به کوشش عبدالله شمس، چ ۵، تهران: دراک.

شمیم، علی‌اصغر، (۱۳۷۲)، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: علمی.

شهواری، ابوالحسن، (۱۳۸۴)، حاج محمدکاظم ملک‌التجار، پژوهش‌نامه تاریخ، س ۱، ش ۱، ص ۱۰ تا ۲۰.

صفایی، ابراهیم، (۱۳۴۴)، رهبران مشروطه، تهران: جاویدان علمی.

طالبوف، عبدالرحیم، (۱۳۵۶)، مسالک المحسنین، چ ۲، تهران: شبگیر.

ظهیرالدوله، علی بن محمد، (۱۳۵۱)، خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، به کوشش ایرج افشار، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

## کتابنامه

### الف . کتاب‌های فارسی

آدمیت، فریدون، (۲۵۳۵)، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، چ ۲، تهران: پیام.

-----، (۲۵۳۵)، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ج ۱، تهران: پیام.

آفاری، ژانت، (۱۳۷۹)، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون.

اتحادیه، منصوره، (۱۳۸۱)، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت، تهران: کتاب سیامک.

اشرف، احمد، (۱۳۵۹)، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجار، تهران: زمینه.

----- و علی بنوعزیزی، (۱۳۸۷)، طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، (۱۳۵۶)، الماثر و الآثار، ج ۱ و ۲، تعلیقات حسین محبوبی اردکانی، به تصحیح ایرج افشار، تهران: اساطیر.

امین‌الدوله، میرزاعلی‌خان، (۱۳۵۵)، خاطرات سیاسی امین‌الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمائی‌ان، زیرنظر ایرج افشار، چ ۲، تهران: امیرکبیر.

تحویلدار اصفهانی، میرزاحسین، (۱۳۴۲)، جغرافیای اصفهان، به تصحیح منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران.

. ناظم‌الاسلام کرمانی، میرزا محمد، (۱۳۸۴)، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۳، ۲، ج ۷، تهران: امیرکبیر.

#### ب. روزنامه‌ها

- . روزنامه انجمن تبریز، (۱۳۲۵ق)، س ۱، ش ۷۷ و ۷۸ .  
----- (۱۳۲۵ق)، س ۱، ش ۱۱۰ .  
. روزنامه صبح صادق، (۱۳۲۵ق)، س ۱، ش ۴۹ .  
----- (۱۳۲۵ق)، س ۱، ش ۵۴ .  
----- (۱۳۲۵ق)، س ۱، ش ۵۵ .  
. روزنامه صوراسرافیل، (۱۳۲۵ق)، س ۱، ش ۳ .  
. روزنامه جبل‌المتین، (۱۳۲۵ق)، س ۱، ش ۱ .  
----- (۱۳۲۵ق)، س ۱، ش ۹۷ .  
----- (۱۳۲۵ق)، س ۱، ش ۱۷۷ .

#### ج. مذاکرات مجلس

- . مذاکرات مجلس دور اول، (۱۳۲۵ق)، جلسات سه‌شنبه چهارم، پنج‌شنبه ششم، یکشنبه نهم، سه‌شنبه یازدهم، و شنبه بیست‌ودوم ماه صفر .  
----- (۱۳۲۵ق)، جلسه پنج‌شنبه بیست‌ونهم ماه جمادی‌الاول .  
----- (۱۳۲۵ق)، جلسات سه‌شنبه پنجم و شنبه نوزدهم ماه جمادی‌الثانی .  
----- (۱۳۲۵ق)، جلسه سه‌شنبه هفدهم ماه رجب .

#### د. کتاب‌های لاتین

- ..... « (۱۹۹۱) .....  
.....  
.....  
.....  
.....

. علوی، ابوالحسن، (۱۳۸۵)، رجال عصر مشروطیت، به تصحیح حبیب یغمایی و ایرج افشار، تهران: اساطیر.

. عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره .

. فوران، جان، (۱۳۸۷)، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.

. کاساکوفسکی، و. آ، (۲۵۳۵)، خاطرات کلنل کاساکوفسکی، ترجمه عباسقلی جلی، چ ۲، تهران: کتاب‌های سیم‌غ.

. کسروی، احمد، (۱۳۸۳)، تاریخ مشروطه ایران، چ ۲۰، تهران: امیرکبیر.

. لمبتن، آن. کی. اس، (۱۳۷۷)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی .

----- (۱۳۸۹)، «زمین‌داری و درآمد ارضی و اداره امور مالی در سده نوزدهم»، تاریخ ایران

کمبریج، گردآوری پیتر آوری، چ ۷، چ ۳، تهران: جامی.

. محیط طباطبائی، محمد، (۱۳۲۷)، مجموعه آثار میرزا ملک‌خان، تهران: علمی.

. مجدالاسلام کرمانی، (الف)، احمد، (۲۵۳۶)، تاریخ انحطاط مجلس، به تصحیح محمود خلیل‌پور، چ ۲، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

----- (ب)، احمد، (۲۵۳۶)، سفرنامه کلات، گوشه‌ای از تاریخ مشروطیت ایران، مقدمه و

تحشیه محمود خلیل‌پور، چ ۲، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

. مجتهدی، مهدی، (۱۳۷۷)، رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، به کوشش غلامرضا طباطبائی مجد، تبریز: زرین.

. مستوفی، عبدالله، (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من، چ ۲، چ ۵، تهران: زوار .

. معیر الممالک، دوستعلی خان، (۱۳۶۱)، رجال عصر ناصری، تهران: تاریخ ایران.

. ملک زاده، مهدی، (۱۳۸۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۲، تهران: انتشارات سخن .